

دکتر سید داود آقایی*

کارنامه کمیسیون حقوق بشر درباره ایران (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)

چکیده:

حقوق بشر، حقوقی است که افراد به خاطر انسان بودن از آن منتفع می‌شوند، اساس و پایه آن نیز اصل تساوی است، زیرا تمامی انسانها همانند یکدیگر از مرتبه انسانی برخوردارند. لذا نمی‌توان افراد انسانی را از هیچیک از این حقوق محروم کرد. شرط اساسی برای تضمین رعایت حقوق بشر وجود دولت آن هم نظام مبتنی بر دموکراسی است. در عین حال برخورداری از دولت دموکراتیک که منبث از اراده آزادانه مردم است، یکی از حقوق انسانی ملت‌ها محسوب می‌شود. مهم‌ترین منبع دربرگیرنده مصادیق حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در کنار میثاقین که به تصویب بیش از ۱۴۰ دولت رسیده است، زوایای مختلف حقوق انسانی را مورد توجه قرار داده، چارچوبه رفتاری دولت‌ها را تعیین می‌کند و نقش نظارتی بر اجرای هر چه صحیح‌تر این هنجارها از سوی دولت‌ها نیز به عهده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد سپرده شده که این کمیسیون توجه خود را بیشتر معطوف به جوامع و دولت‌هایی می‌کند که احتمال می‌دهد در آنجا حقوق بشر بیشتر نقض می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در دو دهه اخیر بیشتر از دیگران مورد توجه این کمیسیون قرار داشته و براساس گزارشات دریافتی گزارشگران ویژه از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۲ قطعنامه‌هایی مبنی بر نقض حقوق بشر در ایران صادر نموده است. این مقاله به بیان دیدگاه‌ها و مواضع مطروحه در کمیسیون حقوق بشر نسبت به ایران و اینکه آیا حقاً اتهامات نسبت داده شده ناشی از نقض حقوق بشر بوده و یا نگاه‌های سیاسی قدرت‌های بزرگ نیز این تصمیم‌گیریها را بدرقه می‌کرده‌اند، می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران، گزارشگران ویژه

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«بررسی عملکرد شورای امنیت در حل بحران بوسنی و هرزگوین»، سال ۷۶، شماره ۳۶؛ «راهبردهای توسعه

پایدار در سازمان ملل متحد»، سال ۸۲، شماره ۵۹.

مقدمه

چنانچه واضح و روشن است، آنچه امروزه تحت عنوان حقوق بشر در قاموس بین‌المللی، جاری شده، در واقع در فرهنگ و تمدن غرب تولد یافته و رشد کرده است و به‌طور طبیعی نهادها و سازمان‌هایی که در طول یک قرن گذشته به صورت فراگیر و یا محدود ایجاد شده‌اند، همگی در بستر فرهنگ غربی و متناسب با هویت فرهنگی کشورهای اروپایی و آمریکا به فعالیت پرداخته‌اند.

بررسی فعالیت این سازمان‌ها و نهادها در طول دهه‌های گذشته، به‌ویژه در مورد کشورهای جهان سوم و تحت استعمار، حکایت از تجربه‌ای ناموفق و شکست خورده دارد، زیرا جدای از عدم لحاظ کردن مبانی و اصول سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در تدوین معیارهای حقوق بشری، کشورهای غربی از این مقوله انسانی و اخلاقی در جهت منافع خود استفاده سیاسی کرده و می‌کنند، از این مقوله گاهی به عنوان ابزاری برای وادار کردن سایر کشورها به پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و سیاست‌های بعضاً استعمار غرب استفاده شده است.

در مقابل در مواردی نیز، با وجود نقض فاحش حقوق بشر، در برخی از کشورها (مثل اسرائیل و برخی رژیم‌های سنتی متحد غرب) تنها به دلیل منافی که از سوی رژیم‌های حاکم بر این کشورها عاید غرب و آمریکا می‌شود، نوعی بی‌توجهی با اتخاذ مواضع کاملاً انفعالی و خنثی از طرف نهادها و سازمان‌های حقوق بشر مشاهده می‌شود.

مواضع و سیاست‌های نهاد‌های بین‌المللی حقوق بشر و به ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در قبال ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان از برخوردهای سیاسی و جانبدارانه این نهادها دارد. چنانچه برخی معتقدند «آمریکایی‌ها با هر کشوری که دشمنی دارند همچون ایران، چین و کوبا مسأله حقوق بشر را مطرح می‌کنند ولی هرگاه به دوستان و متحدان خود همچون عربستان سعودی و اسرائیل و دیگر متحدین خود می‌رسند بحث نسبت فرهنگی و لزوم توجه به بافت خاص فرهنگی و تاریخی آن کشورها را مطرح می‌کنند.»^(۱) این همان چیزی است که همیشه با نام اعمال «معیارهای دوگانه»^۱ مورد مخالفت ایران قرار داشته است.

به هر حال مجموعه عوامل و نگرش‌های متفاوت داخلی و خارجی باعث شده است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع نقض حقوق بشر به یکی از چالش‌های مهم بین‌المللی در

1- Double Standards.

برابر ایران تبدیل شود، گرچه در این فرایند نوساناتی در شدت موضع‌گیری‌های بین‌المللی در برابر ایران در زمینه حقوق بشر وجود داشته است. در این مقاله ضمن معرفی نهادهای تصمیم‌گیرنده در زمینه حقوق بشر بین‌المللی، سعی شده است چرایی و چگونگی برخوردها در زمینه حقوق بشر در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد

ارگان‌های حقوق بشری از نظر نوع کارکرد به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف - ارگان‌های ایجاد شده براساس منشور سازمان ملل.

ب - نهادهایی که براساس میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر موجودیت یافته‌اند.

ارگان‌های ایجاد شده براساس منشور سازمان ملل

الف - مجمع عمومی

مجمع عمومی به همه موضوعات بین‌المللی در چارچوب منشور و وظایف ارکان سازمان ملل متحد می‌پردازد و در مورد آنها بحث و تصمیم‌گیری می‌نماید. کمیته‌ها، کمیسیون‌ها و ارگان‌های مختلف سازمان ملل متحد گزارش خود را به مجمع عمومی می‌دهند. از جمله موضوعاتی که در خود مجمع عمومی نیز مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در مورد آنها قطعنامه صادر می‌شود یا توصیه به عمل می‌آید، مسأله حقوق بشر است.

مجمع عمومی شامل ۶ کمیته اصلی می‌باشد که عمده کارهای مربوط به مجمع را انجام می‌دهند. این کمیته‌ها پس از بررسی آنها توصیه‌ها و قطعنامه‌هایی را که مجمع عمومی می‌باید تصویب کند تهیه می‌نمایند. از میان ۶ کمیته مجمع عمومی کمیته سوم به بحث ما مربوط می‌شود که مسائل اجتماعی، فرهنگی و بشری را رسیدگی می‌کند. (۲)

کمیته سوم

موضوعات مختلف مربوط به حقوق بشر و گزارش‌های ناظر بر وضعیت حقوق بشر در کشورهای جهان در این کمیته مطرح می‌شود. تاکنون قراردادهای متعددی در مباحث مختلف مربوط به حقوق بشر نظیر دفاع از حقوق اقلیت‌ها، زنان، کودکان، کارگران و... در سطح بین‌المللی مطرح شده‌اند و برای نظارت و اجرای مفاد این قراردادها در کشور عضو، از طریق کمیته سوم

مجمع عمومی مورد بررسی قرار می‌گرفته و قطعنامه‌هایی براساس آن توسط مجمع به تصویب رسیده‌اند. (۳)

ب - شورای اقتصادی و اجتماعی و نهادهای وابسته به آن

یکی از نهادهای رسیدگی‌کننده به مسائل حقوق بشر، که از جمله وظایفش، توصیه، صدور قطعنامه و انجام مقدمات برای این منظور است شورای اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. این شورا طبق ماده ۶۸ منشور کمیسیون‌ها و گروه‌های کاری متعدد را در زمینه رسیدگی به مسائل حقوق بشر ایجاد نموده است.

۱- کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۴۶ م توسط شورای اقتصادی اجتماعی تشکیل شد. وظیفه این کمیسیون ارائه پیشنهادها، توصیه‌ها و گزارش‌های تحقیقی حقوق بشر به مجمع عمومی از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی است. کمیسیون مزبور یکی از نهادهای اصلی سازمان ملل به شمار می‌آید و به صورت مجمعی برای دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای بیان نگرانی‌های آنان در زمینه مسائل حقوق بشری در آمده است. (۴)

الف - ساختار و ترکیب اعضای کمیسیون حقوق بشر

این کمیسیون مرکب از ۵۳ عضو می‌باشد که ۱۵ عضو از میان کشورهای آفریقایی - ۵ عضو از اروپای شرقی - ۱۲ عضو از آسیا - ۱۱ عضو از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب و ۱۰ عضو از اروپای غربی است و برای مدت ۳ سال از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی تعیین می‌شوند و سالیانه ۱ جلسه دارند که از مارس تا آوریل در ژنو برگزار می‌شود. (۵)

ب - موضوعات مورد بررسی در کمیسیون حقوق بشر

موضوعات متعدد و متنوعی در دستور کار این کمیسیون قرار می‌گیرد: تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در همه کشورهای، موضوع ناپدیدشدگان اجباری، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، ارتقاء بیشتر حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی، نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف، حقوق اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی، و زبانی، کودکان و... دولت‌های

عضو و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در اجلاس کمیسیون شرکت و در مورد موضوعات مختلف حقوق بشر گفتگو کنند. (۶)

ج - صلاحیت‌ها و اختیارات کمیسیون

- ۱- ارائه توصیه، پیشنهاد و گزارش در مورد موضوعات مربوط به حقوق بشر و مواردی که در بخش پیش به آن اشاره شد،
- ۲- ارائه پیشنهاد برای تأسیس کمیسیون فرعی،
- ۳- ارائه پیشنهاد تغییر در صلاحیت‌های کمیسیون‌ها،
- ۴- تعیین کمیته ویژه مرکب از متخصصان برای گردش کار کمیسیون،
- ۵- کمک به شورای اقتصادی - اجتماعی در هماهنگ کردن اقدامات حقوق بشر در نظام حقوق ملل متحد.
- ۶- رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر. (۷)

د - آیین کار

بیشتر جلسه‌های این کمیسیون به وسیله شورای اقتصادی - اجتماعی تنظیم می‌شود و براساس قطعنامه شماره ۱۱۵۶ این شورا، کمیسیون سالی ۱ بار تشکیل جلسه می‌دهد که به مدت ۶ هفته ادامه دارد و نیز می‌تواند جلسه‌ای فوق العاده به مدت یک هفته برای گروه‌های کاری داشته باشد، شرکت کنندگان در اجلاس کمیسیون حقوق بشر عبارتند از: نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد که عضو کمیسیون نیستند ولی از آنها دعوت شده است در این جلسه شرکت کنند، نمایندگان سازمان‌های تخصصی - نمایندگان دفتر کمیساریای عالی پناهندگان - کشورهای عضو سازمان ملل که عضو کمیسیون نیستند ولی توسط دولت خود به‌عنوان ناظر در کمیسیون حاضر می‌گردند و - نمایندگان سازمان‌های غیردولتی.

ه - گزارشگران ویژه

یکی از وظایف کمیسیون حقوق بشر تعیین نماینده ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورهایی است که در معرض اتهام نقض حقوق بشر قرار دارند. این نمایندگان وظیفه دارند با تماس با نمایندگان کشور مربوطه و همچنین با موافقت آنها به آن کشور سفر کنند و نیز از افراد و

سازمان‌ها گزارش‌هایی را جمع‌آوری کرده و مورد بررسی قرار دهند. در سال‌های اخیر کمیسیون حقوق بشر برای برخی از موضوعات خاص نیز گزارش‌گرانی ویژه تعیین کرده است.

۲- کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها

این کمیسیون فرعی به وسیله کمیسیون حقوق بشر و با قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی به وجود آمد و با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، تبعیض حقوق اقلیت‌ها را مورد بررسی قرار داده و پیشنهادهایی به کمیسیون می‌دهد. هم‌اکنون این شورا دارای ۲۶ عضو است که با پیشنهاد و معرفی دولت‌ها به وسیله کمیسیون حقوق بشر برای یک دوره ۳ ساله انتخاب می‌شوند.

۳- کمیسیون مقام زن

این کمیسیون با قطعنامه شورای اقتصادی - اجتماعی تأسیس شد و در مورد موضوعات مربوط به ارتقاء حقوق زنان در زمینه سیاسی - اجتماعی، فرهنگی گزارش‌هایی به شورا ارائه می‌کند. مقر این کمیسیون هم‌اکنون در نیویورک است. این کمیسیون از ۴۵ عضو تشکیل شده است. ۱۳ عضو از آفریقا - ۱۱ عضو از آسیا - ۴ عضو از اروپای شرقی ۹ عضو از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب - ۸ عضو از اروپای غربی و دیگر کشورها.

نهادهای مبتنی بر قراردادهای

علاوه بر مجمع عمومی و شورای اقتصادی - اجتماعی تعدادی کمیته ویژه به وجود آمده‌اند که هر یک بر نحوه اجرای مفاد قرارداد بین‌المللی خاصی رسیدگی می‌کنند، گزارش‌هایی را بر اساس این میثاق‌ها تهیه می‌کنند و پس از بررسی به کمیته سوم مجمع عمومی جهت رسیدگی ارائه می‌دهند. این کمیته‌ها عبارتند از:

کمیته حقوق بشر، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته مقابله با شکنجه و سایر رفتارهای سخیف، کمیته حقوق کودکان، کمیساریای عالی حقوق بشر، و مرکز حقوق بشر.

هر یک از این کمیته‌ها به موضوعاتی که در کنوانسیون‌ها و میثاق‌ها تأکید شده است

کمیسیون فرعی حقوق بشر اجازه داده می‌شود شکایت دریافت شده را به دبیرکل سازمان ملل ارائه و نیز پاسخ‌های دولت مربوط را دریافت کند و یک گروه کاری مرکب از ۵ نفر از اعضای خود با در نظر گرفتن تقسیم متناسب جغرافیایی برای بررسی این شکایات تشکیل دهد، که هر ساله در یک دوره ۱۰ روزه قبل از تشکیل کمیسیون فرعی جلسه‌ای خصوصی برگزار نماید این کمیسیون پس از دریافت گزارش گروه‌های کاری در مورد ارجاع آن به کمیسیون حقوق بشر تصمیم می‌گیرد. کمیسیون حقوق بشر هم با توجه به نظرات خود درباره آن تصمیم می‌گیرد و ممکن است توصیه‌هایی به شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ارائه دهد. (۱۱)

دیدگاه‌های نظری و تاریخی

با نگاهی گذرا بر چگونگی ظهور رژیم‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌توان به صراحت و روشنی به این اصل اذعان نمود که حقوق بشر یکی از رگه‌ها و ریشه‌هایی است که در بستر رژیم‌های بین‌المللی مبتنی بر سیطره پس از جنگ جهانی دوم در عرصه روابط بین‌الملل شریک به رشد نمود و نهال آن با فروپاشی نظام دو قطبی و پایان تاریخ مورد نظر فوکویاما و نیز پیروزی دموکراسی نظام لیبرالیستی بر نظام سوسیالیستی در حال تنومند شدن است. اصولاً با توجه به اینکه جنگ‌های صلیبی زمانی روی داد که مردم قاره اروپا در تاریکی و جهالت به سر می‌بردند و طی این نوع جنگ‌ها بود که غربیان با کتاب‌های معتبر علمی و فلسفی و اجتماعی مسلمانان آشنا شدند، این آثار را ترجمه کردند و پس از آن پی به عقب‌ماندگی و نادانی خود بردند و نیز در اروپا نهضت‌های رنسانس و رفوم ایجاد شد لذا مهم‌ترین تحولات سیاسی - اجتماعی و به دنبال آن تحولات اقتصادی در غرب روی داد و مکاتب فکری بسیاری به وجود آمدند. از مهم‌ترین مکاتب اقتصادی که اصول خود را از مکاتب فلسفی و اجتماعی گرفته است، مکتب اقتصادی لیبرالیسم می‌باشد که مردم به ویژه اروپائیان را به تجارت آزاد تشویق و ترغیب می‌کند. به دنبال گسترش تجارت، رقابت که یکی از پیامدهای آن به شمار می‌رود سرلوحه سیاست تجاری و بازرگانی اروپائیان شد.

کثرت و گسترش تجارت روابط گسترده‌ای را در میان ملل چند قاره جهان پدید آورد که جهت تنظیم و سازماندهی این روابط دولت‌های اروپایی گوی میدان را از دولت‌های دیگر ربودند و دست به تشکیل سازمان‌های بین‌المللی زدند. بدین سان سازمان‌های بین‌المللی رشد نمودند و هر روز و هر سال متجلی‌تر از سال‌های قبل شدند. بر پایه آنچه گفته آمد خاستگاه و پایگاه فکری

رویه رسیدگی به شکایات ها

تا قبل از ۱۹۶۷ کمیسیون حقوق بشر برای رسیدگی به شکایات از رویه‌های نسبتاً یکسانی بهره می‌برد و غالب توصیه‌ها و روش‌های ارائه شده به آن به‌طور کلی مؤثر واقع نشد تا اینکه دو قطعنامه معروف به ۱۲۳۵ و ۱۵۰۳ از سوی شورای اقتصادی - اجتماعی، روش‌های رسیدگی کمیسیون به اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر را تعیین کرد. (۹) در طی آن سال‌هایی که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید در آن تأسیس نهادی به نام کمیسیون حقوق بشر پیش‌بینی شد که بر اساس آن رسیدگی به شکایات مربوط به حقوق بشر علیه دولت‌های عضو و دولت‌هایی که صلاحیت کمیته را برای این منظور به رسمیت شناخته بودند، فراهم کرد.

الف - شکایات و موضوع قطعنامه ۱۲۳۵

این قطعنامه به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها اجازه می‌دهد اطلاعات مربوط به نقض وسیع حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را بررسی کند. این قطعنامه مشتمل بر ۶ بند است.

در بند ۲ آمده است به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی اجازه داده می‌شود: اطلاعات مربوط به نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مورد بررسی قرار دهد. همچنین در بند ۳ از این کمیسیون خواسته شده است مطالعه کاملی در مورد وضعیت حقوق بشر انجام دهد و گزارشی که با توصیه توأم است را به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد. این قطعنامه به کمیسیون امکان می‌دهد هرگونه وضعیت مربوط به نقض حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهد. گروه‌های کاری و سیستم گزارش ویژه در مورد موضوعات خاص کشورها به وسیله کمیسیون حقوق بشر انجام وظیفه می‌کنند و کمیسیون مشروعیت خود را از این قطعنامه کسب می‌کند. (۱۰)

ب - رویه رسیدگی به شکایات‌ها براساس قطعنامه ۱۵۰۳ شورای اقتصادی - اجتماعی

براساس قطعنامه ۱۵۰۳ شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل که در سال ۱۹۷۰ به تصویب این شورا رسیده به کمیسیون‌های حقوق بشری و نیز کمیسیون فرعی اجازه داده می‌شود که شکایات و اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر، در جلسات خصوصی رسیدگی شود. به

و مبدأ پیدایش سازمان‌ها و نهادها و رژیم‌های بین‌المللی در غرب به ویژه در اروپا بوده است. حقوق بشر به معنای امروزی آن در بستر رژیم‌های بین‌المللی تداوم پیدا کرده و تبلور یافته است و تولد فلسفه حقوق بشر غربی را می‌توان به اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر فرانسه (۱۷۸۹) نسبت داد.

تنها متغیری که صلاحیت دولت‌ها را در مرزهای ملی محدود می‌کند و خورشید طلایی حاکمیت مطلق دولت‌ها را در وادی غروب کردن می‌فرستد و لرزه بر ارکان رکین بی‌حد و حدود دولت‌ها می‌افکند مسأله رعایت و احترام به موازین حقوق بشر می‌باشد که سایه سنگین خود را بر حاکمان ناقض حقوق بشر می‌افکند. در این باره می‌توان به سخنان دبیران کل سازمان ملل استناد ورزید.

آقای خاویر پرز دکوئیار در سال ۱۹۹۱ طی نطقی در مجمع عمومی سازمان ملل عنوان کرد که «موضوع مداخله در امور داخلی دولت‌ها و تعدیل مفهوم حاکمیت دولت‌ها به یک مسأله روز تبدیل شده و جامعه بین‌المللی می‌ورد که کمک به مستمندان و نیازهای آنان را بر عقاید پیشین خود که مبتنی بر احترام به مرزهای ملی و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌هاست بنشانند.» (۱۲)

اهمیت و ارتقاء روز افزون جایگاه حقوق بشر امروزه از منزلتی برخوردار است که حاکمیت دولت‌های خالق حقوق بین‌الملل را با مقوله حقوق بشر محدود می‌کند. همچنین آقای پطروس غالی در گزارشی که در ۱۹۹۲ به شورای امنیت سازمان ملل عرضه کرد گفت: «احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها همیشه مورد قبول جامعه بین‌المللی بوده است و امروزه هم به عنوان اصول اساسی حقوق بین‌الملل و ضامن پیشرفت مشترک بشریت و جامعه بین‌المللی در حیطه امور حیاتی به حساب می‌آید، اما ثوری حاکمیت مطلق دولت‌ها هرگز با واقعیت موجود در نظام بین‌المللی هم سو و هماهنگ نبوده است.» آقای پطروس غالی افزود «اگر دولت‌ها می‌خواهند حاکمیتشان از مداخله خارجی یا بین‌المللی در امان بماند در رفتارهایشان نباید با نقض حقوق بشر زمینه مداخله بین‌المللی را فراهم کنند.» (۱۳)

در ادامه رژیم‌های بین‌المللی می‌توان به اعلامیه وین اشاره کرد که در بند چهارم از بخش یک این اعلامیه عنوان می‌کند ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در پرتو اصول و اهداف سازمان ملل به ویژه همکاری‌های بین‌المللی باید در اولویت برنامه قرار گیرد. در چهارچوب این اصول و اهداف، ارتقاء و حمایت از تمامی حقوق بشر یک موضوع مورد توجه و نگرانی مشروع جامعه

بین‌المللی است. اینجاست که رضایت کشورهای شمال جلب می‌شود و آنان می‌توانند محمل مناسبی برای دخالت‌های بیشتر در وضعیت داخلی کشورها داشته باشند. (۱۴)

به گفته یک نویسنده بزرگ فرانسوی سلطه اروپا بر روی زمین از قرن شانزدهم تا قرن بیستم غیر اروپائیان را مجبور کرد که در قالب‌های اروپایی فکر کنند. مردم آسیا، آفریقا و آمریکا برای ادامه حیات ناچار بودند به مفاهیم اروپایی مجهز شوند زیرا به همان‌گونه که تفنگ بر تیروکمان چیره گشته این مفاهیم هم بر مفاهیم دیگر غلبه کرده است. (مفاهیم حقوق بشر) لذا استعمارزدگان همان مفاهیمی را که از اروپائیان آموخته بودند علیه اروپا به کار بستند که این مفاهیم در قالب آزادی، استقلال و حق تعیین سرنوشت بوده است. (۱۵)

از نظر مایکل اکهرست با توجه به عملکرد سازمان ملل می‌توان چند معیار را در مسائل خارج از حوزه صلاحیت داخلی دولت‌ها برشمرد؛ موضوعاتی از قبیل نقض حقوق بین‌الملل، تجاوز به حقوق دولت‌های دیگر، تهدید صلح بین‌المللی یا اقداماتی که موجب نقض اساسی و مستمر حقوق بشر شود از صلاحیت داخلی دولت‌ها خارجند. (۱۶)

علی‌رغم آنکه سازمان ملل در زمینه دفاع از حقوق بشر و احترام به موازین و قراردادهای میثاق‌های بین‌المللی که در دهه‌های گذشته به تصویب رسیده به تلاش‌های گسترده‌ای دست زده است و نهادها، کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و گروه‌های کاری و گزارشگران ویژه‌ای برای این کار در نظر گرفته است اما نتیجه چندان ملموس و محسوسی در تحصیل اهداف این نهادها به دست نیاورده است.

مضافاً اینکه سازمان ملل در طول فعالیت خود در دهه‌های گذشته، در کلیه ابعاد حقوق بشر به صورت یکسان عمل نکرده است. حقوق سیاسی و مدنی افراد همیشه مورد توجه خاص کشورهای غربی بوده است. این در حالی است که حقوق اقتصادی و اجتماعی و حق توسعه با گذشت ۵۰ سال از تأسیس سازمان ملل هنوز هم جایگاه خود را از جهت رشد استانداردها و مکانیزم‌های اجرایی باز نیافته است. (۱۷)

واکنش ایالات متحده و انگلستان در جریان کنفرانس‌های یونسکو در دو دهه (۱۹۷۰-۱۹۸۰) مهر تأییدی بر بیان فوق‌الذکر است.

بحث پیرامون «نظام تازه جهانی» در آغاز دهه (۱۹۷۰) جان‌گرفت و بدواً بر بی‌عدالتی ناشی از عدم دسترسی به اطلاعات متمرکز شد و به زودی اهمیت اطلاعات و کنترل آن به وسیله مؤسسات غربی به صورت موضوع اصلی در روابط شمال - جنوب درآمد و کنفرانس‌های

یونسکو در نایروبی (۱۹۷۶) و در پاریس (۱۹۸۷) موضوع اصلی خود را به این امر اختصاص دادند. سرانجام گزارش مک براید در کنفرانس عمومی که در بلگراد برگزار گردید مورد پذیرش قرار گرفت. در این متن بر ضرورت رعایت عدالت در چند زمینه تأکید شد. ۱. حذف عدم توازن و نابرابری موجود. ۲. حذف آثار منفی بعضی از مراکز انحصاری عمومی یا خصوصی و از بین بردن تمرکز بیش از حد. ۳. رعایت حقوق همه ملت‌ها در زمینه مشارکت در مبادلات بین‌المللی اطلاعات بر پایه عدالت و برابری منافع طرفین (۱۸) این بحث به بحرانی بزرگ در یونسکو منجر شد. ایالات متحده در سال (۱۹۸۴) از سازمان یونسکو خارج شد و نیز انگلستان در سال (۱۹۸۵) به آمریکا پیوست و به اصطلاح تروریسم جهانی را در یونسکو محکوم کرد. (۱۹)

ریمون آرون سیاسی‌نویس فرانسوی معتقد است: «سیطره تمدن غرب در پناه حقوق بشر در این دوره دو نماد کلی دارد یکی نهادینگی حقوق بشر در سطح بین‌المللی از راه اعلامیه‌ها و دیگری ابزاری شدن آن در سیاست‌های خارجی قدرت‌های بزرگ.» (۲۰)

مارسل مرل می‌گوید: نحوه به کارگیری این ابزار (حقوق بشر) از اول مشخص می‌ساخت که آمریکا حقوق بشر را همچون یک ابزار فشار به کار می‌گیرد. همچنین که تزارهای روس هم به بهانه حمایت از حقوق اقلیت‌های مسیحی به گرده امپراتوری عثمانی فشار می‌آوردند. و امتیاز کسب می‌کردند. (۲۱)

برخورد ایالات متحده آمریکا و اروپا با حقوق بشر

اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ (با مقدمه توماس جفرسون) که در آن بر برابری انسان‌ها و حقوق غیرقابل نقضی که خداوند به آنان اعطاء کرده است. مثل حق حیات و حق آزادی و اینکه علت غایی تشکیل حکومت‌ها حفظ حقوق مذکور است و نیز اعلامیه حقوق بشر فرانسه ۱۷۸۹ بیانگر آن است که در اروپا و آمریکا بیشترین نقض حقوق بشر انجام می‌گرفته و نیز در قرن‌های گذشته کشورهای قدرتمند. غربی، به ویژه اروپائیان ناقض آشکار حقوق بشر بوده‌اند. تاریخ سراسر جهل و نادانی اروپا که تا پایان قرن پانزدهم ادامه داشت و به قرون وسطی^۱ مشهور است و حتی پس از آن طی سالهای متمادی حقوق بشر در اشکال و انحاء مختلف نقض می‌شده است، غریبان (به ویژه آمریکا) زمانی که به قدرت و هژمونی گسترده‌ای در

جهان دست یافتند خود بانیان نقض حقوق بشر شدند و مفاهیمی را که به یاری آن رهایی یافتند خود کاملاً در برخورد با کشورها و ملت‌های ضعیف نقض نمودند. تاریخ هرگز جنایات نژادپرستانه نازی‌ها را فراموش نخواهد کرد. و پیوسته خاطره تلخ آن در اذهان تاریخ‌دانان و روشنفکران باقی می‌ماند. پس از جنگ جهانی دوم آمریکائیان با تجاوز به کشور ویتنام که یک کشور مستقل به شمار می‌آمد با حملات ناجوانمردانه به غیرنظامیان عدم پای‌بندی خود را به حقوق بشر نشان دادند.

پس از آنکه جیمی کارتر در پایان سال ۱۹۷۶ به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد به گونه‌ای رسمی حقوق بشر را پایه سیاست خارجی خود قرار داد و به مناسبت سی امین سالگرد صدور اعلامیه حقوق بشر اظهار داشت، (حتی این حقوق مایه هویت ملی ما را تشکیل می‌دهد) این سیاست از سویی می‌بایست مرهمی بر زخم‌های جنگ ویتنام باشد و اعلام بازگشتی به اصول آرمانی آمریکایی لیبرال تلقی شود و از سوی دیگر ابزاری برای ایجاد فشار بر رقیب جهانی اش شوروی باشد. زیرا آمریکا پیش از این به وسیله ابزارهای دیپلوماتیک و حقوقی و برای کنترل رقیب خود پذیرش رعایت حقوق بشر را طی اعلامیه هلسینکی به آنان قبولانده بود و بدین وسیله افساری طلایی و افتخارآمیز به گردنش (شوروی) افکنده بود و شوروی‌ها زمانی متوجه اشتباه خود شدند که بر شمار پناهندگان افزوده شد و عده‌ای به استناد حق رفت و آمد خواستار مهاجرت به غرب شدند. (۲۲)

اگر مردم دنیا فراموش کرده‌اند تاریخ فراموش نمی‌کند هنگامی را که مردم چین با فقر و بیچارگی و اعتیاد، حتی قادر به خوردن یک وعده گوشت در هفته نبودند و به زندگی رقت‌بار خود تحت نفوذ انگلیس، سپس آمریکا ادامه می‌دادند. هیچ کس و هیچ سازمانی سخن از حقوق بشر نمی‌راند.

اکنون که چین با رشد اقتصادی مطلوبی از کشورهای ثروتمند جهان به شمار می‌آید به اتهام نقض حقوق بشر مورد انتقاد و نكوهش قرار می‌گیرد. زمانی که کشور کوبا در شرایط بسیار دشواری تحت دیکتاتوری (مانیا) به مرکز و جولانگاه مافیای آمریکا مبدل شده بود و در حالی که اکثر مردم در تهیدستی و بی‌چیزی به سر می‌بردند با احداث قمارخانه‌ها به عیاشی می‌پرداختند عبارت نقض حقوق بشر، سلب آزادی در مطبوعات و دیکتاتوری در قاموس آمریکائیان به چشم نمی‌خورد اما هم اکنون که کوبا آزادی سیاسی خود را کسب نموده است با وجود محاصره شدید اقتصادی غوغای بزرگی از سوی غرب در انتقاد از نقض حقوق بشر به راه

انداخته می‌شود (البته این امر به معنای آن نیست که در چین، کوبا و سایر کشورهایی که در حوزه نفوذ غرب قرار ندارند و محکوم به نقض حقوق بشر می‌شوند، در آنجا حقوق بشر دقیقاً رعایت می‌شود). همان‌طور که جنایات پینوشه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در شیلی آشکار و میرهن است، به طوری که با همه اعمال جنایت‌کارانه که حتی محاکم قضایی غربی هم در اواخر حکومت او علیه وی موضع‌گیری کردند آمریکا و هم‌دستانش از او پیوسته حمایت می‌کردند. (۲۳)

جنایات ضد بشری صرب‌ها بر علیه مسلمانان در بوسنی و هرزگوین و در قلب اروپای متمدن نیز در دهه ۱۹۹۰ گوشه‌ای تاریک از تاریخ اروپاست. (۲۴)

کشورهای بریتانیا و کانادا کمک‌های غذایی خود را در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱ به کنیا متوقف کرده و ارسال مجدد کمک‌های غذایی را منوط به رعایت حقوق بشر در این کشور می‌کردند. (۲۵) عراق تا قبل از حمله به کویت و رویارویی با منافع نفتی آمریکا و غرب با اینکه همه شواهد بر نقض گسترده حقوق بشر از سوی دولت مزبور مخصوصاً طی دوران جنگ با جمهوری اسلامی دلالت داشت هرگز از لحاظ وضعیت حقوق بشر تحت نظر و مراقبت ویژه سازمان ملل قرار نداشت. اما همین که منافع قدرت‌های غربی را به خطر انداخت و به کویت حمله کرد هم فوراً سرکوب شد و هم اینکه مشمول محاصره اقتصادی گردید و نیز از نظر نقض حقوق بشر مورد اتهام واقع شد. نماینده ویژه برایش تعیین شد و قطعنامه‌ها علیه او صادر گردید.

در مورد دیگر دولت الجزایر (۱۹۹۲) طبیعی‌ترین حق ملت خود که عبارت از حق شرکت در اداره کشور و انتخاب است را زیر پا گذاشت و با اعمال زور و دخالت ارتش در سال ۱۹۹۲ انتخابات را باطل کرد و دولت نظامی را علی‌رغم اراده اکثریت مردم مسلط گردانید و ده‌ها هزار نفر را کشت. (۲۶) و این در حالی صورت گرفت که ارگان‌های سازمان ملل در خصوص نقض گسترده و مسلم حقوق بشر اقدام موثری انجام ندادند. نه نماینده ویژه‌ای تعیین شد و نه قطعنامه‌ای در این مورد صادر گردید و حتی به آن دولت اعتبارات مالی و بین‌المللی نیز اعطا شد. (۲۷)

همچنین کشورهای عضو اتحادیه اروپایی مقرر داشته‌اند که نه تنها ورود به اتحادیه برای دیگران باید با رعایت معیارها باشد و آن‌گونه که اروپا در نظر دارد به حقوق بشر توجه کنند بلکه مبادلات بازرگانی نیز موقوف به همین شرط است.

ترکیه سال‌ها است به همین دلیل در پشت درهای این اتحادیه جهت عضویت مانده است و مادام که نتواند آزادی‌های سیاسی برای اتباع خود فراهم کند، و مشکل خود را با کردها حل نکند

ورودش به اتحادیه غیر قابل تصور است. کشورهای داوطلب اروپای شرقی مانند بلغارستان، رومانی، اسلواکی، و لیتوانی نیز باید نظارت کمیسیون حقوق بشر اروپایی را بپذیرند چنانکه در اجلاس ژانویه ۱۹۹۸ خود در وین بر آزادی‌های مذهبی، حقوق اقلیت‌های قومی و حمایت از هویت‌های فرهنگی، زبانی، و مذهبی تأکید کردند.

اتحادیه اروپا اذعان می‌دارد تا زمانی که شرایط سیاسی و اقتصادی داخلی این کشورها هماهنگ با معیارهای بیان شده نباشد مذاکره درباره عضویت آنان به عمل نخواهد آمد. (۲۸)

همچنین جامعه اروپا در تجدید قرارداد لومه موسوم به لومه چهارم بین این اتحادیه و ۶۳ کشور آفریقایی، کاراییب و اقیانوس آرام در سال ۱۹۸۹ علی‌رغم اهمیتی که برای مستعمرات سابق خود قابل استوار در نظر گرفتن حقوق بشر در برنامه‌های توسعه آنان شد و متنی را در این خصوص ضمیمه قرارداد کرد. (۲۹)

اتحادیه اروپا در چهارچوب مرزهای ملی خود نیز از ناقضین حقوق بشر به شمار می‌آید گزارش آقای آنتونیو کاسسه که در کتاب حکومت‌های غیرانسانی جمع‌آوری شده گواهی بر این ادعا است. (۳۰)

فرانسه که یکی از محوری‌ترین اعضای اتحادیه اروپا به شمار می‌آید و یکی از اعضای به شمار می‌آید که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اتحادیه اروپایی داشته است، دو سال پیش روزه گارودی نویسنده و فیلسوف مسلمان معاصر را به لحاظ انتشار کتاب تاریخ تحلیل صهیونیسم مورد محاکمه قرار داد که آن خود مبین میزان عدم صداقت آن‌ها در طرفداری از آزادی بیان و اندیشه و ابراز و اشاعه آن است.

همچنین قضیه اخراج دانش‌آموزان دختر با حجاب از مدرسه و در واقع محروم کردن آنها از تحصیل در فرانسه با حکومت لائیک با توجه به معیارهای حقوق بشر غربی امری ساده نیست. این امر فلسفه دموکراسی و آزادیخواهی غربی که فرانسه بر آن تأکید دارد را متزلزل می‌کند. این کار حداقل از طرز برداشت غرب با مواد ۲، ۱۲، ۱۸ و ۲۶ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایرت دارد.

به رغم پافشاری و تأکید مؤکد غربیان در جهت برقراری کامل و مساوی حقوق سیاسی و مدنی زنان با مردان و به رغم تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و تشکیل کمیته‌ها در این زمینه، دادوستد زنان و تجارت سکس در آن دیار امری رایج است تا جایی که عده‌ای در پی تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی جدید علیه بهره‌برداری جنسی هستند.

میلیون‌ها کودک در جهان در اثر عواملی از قبیل اعتیاد به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و کشاندن آنان به صحنه فساد و فحشاء آن هم قبل از بلوغ، سرقت و غیره جان خود را از دست می‌دهند. برای دفاع از این قشر جامعه هنوز برنامه مثبتی وجود ندارد. (۳۱)

در مسائل مربوط به نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی میثاق‌های مهمی در این کشورها به تصویب رسیده، اما به‌رغم این، نظارتی بر اجرای این توافقات نمی‌شود و پیوسته جهان شاهد برخورد نژادپرستانه و بیگانه‌ستیزی غرب با مردم مهاجر جهان سوم به ویژه مسلمانان می‌باشد و با وقوع عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر این موضوع روند تندی به خود گرفته است.

نقش آمریکا و اروپا در تصویب قطعنامه از سوی کمیسیون حقوق بشر علیه ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ دولت جمهوری اسلامی ایران پا به عرصه روابط سیاسی با سازمان‌های بین‌المللی نهاد و در این عرصه، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. ایران با اولین اقدام خود با قطع روابط سیاسی با اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی پای بندی خویش را به حقوق بشر به ویژه در برابر کشورهای آفریقایی و عرب نشان داد و از این رو با استقبال آنها رو به رو شد و کمیسیون حقوق بشر با طرح قطعنامه‌ای از ایران تشکر کرد. اما متأسفانه این فضا در پی تبلیغات سوء کشورهای غربی بر اثر تحولات سیاسی و به بهانه نقض حقوق بشر رفته‌رفته و بتدریج آثار مثبت و سازنده خود را از دست داد و دولت‌های غربی در واکنش به آنچه را که نقض حقوق بشر در ایران می‌نامیدند تلاش بسیار گسترده‌ای برای تضعیف اعتبار دولت ایران به عمل آوردند. کشورهای اروپایی از بنیان مهم نظارت بر اجرای حقوق بشر در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشند که با فعالیت‌های گسترده آنان این موضوع در دستور کار کمیسیون حقوق بشر قرار گرفت، و با فشارهای تبلیغاتی و جنجالی، خبری و سیاسی کمیسیون را وادار نمودند که آقای آندره آگیلار را به عنوان نماینده ویژه جهت بررسی نقض حقوق بشر در ایران تعیین کند (۳۲) و طی دو دهه گذشته با انجام فعالیت‌های گسترده و هماهنگ و با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون حقوق بشر را ابزاری جهت حصول اهداف توسعه طلبانه خود قرار دهند.

کمیسیون حقوق بشر بدون اینکه به پیچیدگی‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و جغرافیایی ایران توجه داشته باشد که تا حدودی این عناصر، رفتار و اعمال انسان‌ها را در اجتماع تبیین

می‌کند تنها بر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر که ایران با عضویت در میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و نیز اجتماعی - فرهنگی و اعلامیه جهانی حقوق بشر آنها را پذیرفته است تأکید می‌کند. این به آن معنی نیست که این دو میثاق مهم را نادیده گرفته آن را بی‌اعتبار بدانیم بلکه هرگز نمی‌توان عناصر فرهنگی و اجتماعی و مذهبی را از صحنه احکام حقوقی یک ملت مطرود کرد. (۳۳) بانیان قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر در دو دهه گذشته ادعاها و اتهامات مشابهی نسبت به نقض حقوق بشر در ایران داشته و به آن استناد نموده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. نقض دموکراسی

۲. خشونت علیه شهروندان

۳. تبعیض نسبت به اقلیت‌های مذهبی، آزار و اذیت بهائیان، شکنجه، اقدامات خودسرانه در بازداشت‌ها، عدم آزادی مطبوعات، نقض آزادی بیان، مجازات اعدام بیش از اندازه و فتوا علیه سلمان رشدی (۳۴)

هرگز هدف نگارنده این نیست که نقض حقوق بشر در ایران و در کشورهای اسلامی را به طور کلی نفی کند. لکن در پی جستارهایی می‌باشد که برخورد ابزاری و سیاسی بودن آن را از سوی دولت‌های غربی به ویژه آمریکا به اثبات برساند و نیز تا حدودی تصریح کند که قدرت‌های بزرگ (آمریکا و اتحادیه اروپا) در راستای اهداف توسعه‌طلبانه خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. حتی اگر برای حصول این اهداف چون گذشته و هم‌اکنون تعداد بی‌شماری از انسان‌ها در این راه قربانی شوند. بیان فهرست‌وار اجلاس‌های کمیسیون حقوق بشر تنها شماری از این سیاست‌های مداخله‌جویانه آنها را آشکار می‌کند، که براساس میزان اهمیت به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در اجلاس کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها در سال ۱۹۸۰ موضوع شکل جدی‌تری به خود گرفت به طوری که اعضای آن صریحاً از سیاست دولت ایران در مقابل اقلیت‌ها به خصوص کردها انتقاد نمودند. در ابتدا کارشناس انگلیسی پیشنهاد می‌کند اوضاع ایران مورد توجه خاص قرار گیرد. سپس کارشناس یونانی ضمن ابراز تأسف از اعدام کردها در ایران می‌گوید: کمیسیون فرعی باید به اعدام‌های دسته‌جمعی در ایران توجه بیشتری معطوف داشته باشد. سپس کارشناس آمریکایی از وی حمایت می‌کند و در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۰ طی قطعنامه‌ای که از سوی کمیسیون فرعی صادر شد راجع به رفتار نسبت به اعضای

جامعه بهائیان ایران شدیداً اظهار نگرانی شد و از دبیر کل خواسته شد این نگرانی را به اطلاع دولت ایران برساند. (۳۵)

در سال ۱۹۸۱ کمیسیون فرعی به درخواست نمایندگان کانادا و استرالیا قطعنامه‌ای به شماره (XXXIV) در سپتامبر همین سال به تصویب رساند. این قطعنامه حاوی مطالبی درباره رفتار با اقلیت‌های مذهبی به خصوص بهائیان در ایران بود و از دبیر کل سازمان ملل درخواست شده بود پس از جمع‌آوری اطلاعات درباره وضعیت اقلیت‌ها در ایران گزارشی به اجلاس ۳۸ کمیسیون حقوق بشر ارائه دهد. در همین زمان بود که برای نخستین بار مقرر گردید وضعیت حقوق بشر در دستور کار این کمیسیون در سال ۱۹۸۲ قرار گیرد. در این اجلاس پس از قرائت گزارش‌های متعددی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران و گزارش دبیر کل طی قطعنامه‌ای از دبیر کل خواسته شد تا گزارش جامع‌تری بر اساس کلیه اطلاعات تهیه و در اجلاس سی و نهم این کمیسیون ارائه دهد. این قطعنامه با ۱۹ رأی مثبت و ۹ رأی منفی و ۱۵ رأی ممتنع به تصویب رسید و سرآغازی برای طرح هر ساله چگونگی وضعیت حقوق بشر در ایران شد. (۳۶)

مطابق درخواست کمیسیون از دبیرکل مبتنی بر تماس با دولت ایران و یادآور شدن موارد نقض حقوق بشر، دبیر کل، در سال ۱۹۸۳ به این کار مبادرت ورزید و طی این تماس نماینده ایران بهائیکگری را یک فرقه سیاسی خواند که بیشتر به جاسوسی و تفرقه در میان ملت ایران اشتغال دارند. (۳۷) کمیسیون حقوق بشر پس از دریافت گزارش‌ها درباره وضعیت حقوق بشر در ماه مارس همین سال قطعنامه ۱۹۸۳/۳۴ را صادر کرد و نگرانی خود را درباره اعدام‌های فوری، بازداشت بدون دلیل و فقدان قضاوت مستقل اعلام کرد. نماینده شوروی و امارش در این سال به علت دستگیری سران حزب توده در ایران رأی منفی خود را در این کمیسیون به رأی ممتنع تغییر دادند. کمیسیون، اطلاعات خود را از انبوه مکاتبات انجام شده و نیز اخبار منتشره در مطبوعات غربی به دست آورد. این قطعنامه با ۶ رأی منفی و ۱۹ رأی ممتنع و ۱۷ رأی مثبت به تصویب رسید. (۳۸)

در سال ۱۹۸۴ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل با ۲۸ رأی مثبت و ۲ رأی منفی و ۱۳ رأی ممتنع و یک غایب (قطر) قطعنامه کمیسیون حقوق بشر را تأیید کرد که طی آن از رئیس کمیسیون خواسته شد تا نماینده‌ای ویژه جهت بررسی حقوق بشر در ایران تعیین کند. سپس آقای آندره آگیلار دیپلومات و حقوق‌دان ونزوئلایی از سوی رئیس کمیسیون حقوق بشر جهت تحقیق در خصوص وضعیت حقوق بشر ایران تعیین و مقرر شد وی گزارشی از این وضعیت را

در اجلاس چهل و یکم این کمیسیون ارائه دهد. (۳۹)

اجلاس چهل و یکم در حالی برگزار شد که دولت جمهوری اسلامی ایران آقای آندره آگیلار را به علت عدم آشنایی درباره قوانین و حقوق اسلامی نپذیرفته بود. در کمیسیون قطعنامه‌ای شدیدالحن تر از گذشته با ۲۱ رأی مثبت، ۵ رأی منفی و ۱۵ رأی ممتنع و ۲ غایب به تصویب رسید. در این کمیسیون که هلند بانی اصلی آن بود و کشورهای استرالیا، کانادا، کاستاریکا، پاناما، انگلیس آن را تأیید کردند باز هم درباره نقض حقوق بهائیان، شکنجه، دستگیری افراد و اعدام آنها بدون محاکمه شدیداً اظهار نگرانی کردند. در اجلاس چهل و دوم (۱۹۸۶) در ژنو کشورهای غربی از ایران خواستند که با نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر همکاری نماید و نماینده ایران در این اجلاس اذعان داشت اگر نماینده‌ای از جانب کمیسیون بخواهد در ایران تحقیق نماید باید لزوماً به حقوق اسلامی آشنا باشد، در حالی که بانیان قطعنامه تنها می‌خواهند این مسأله جنبه سیاسی داشته باشد. سرانجام قطعنامه ۱۹۸۶/۴۱ با ۱۹ رأی موافق و ۱۴ رأی مخالف و ۱۶ رأی ممتنع به تصویب رسید. (۴۰) در این قطعنامه به تکرار ادعاهای قبلی از سوی دولت‌های غربی تأکید شده و از رئیس کمیسیون خواسته شد با توجه به اینکه آقای آگیلار به عنوان سفیر ونزوئلا و نماینده دائم آن کشور در سازمان ملل متحد منصوب شده است نماینده ویژه دیگری را تعیین نمایند. (۴۱)

در سال ۱۹۸۶ کمیسیون حقوق بشر پس از انجام مشورت‌های معمول آقای رینالدو گالیندوپل را از کشور السالوادور به جای نماینده ویژه قبلی در خصوص بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران منصوب نمود. (۴۲)

همانگونه که جمهوری اسلامی ایران طی برگزاری اجلاس چهل و چهارم مجمع عمومی سازمان ملل اعلام نمود که حاضر است با گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر همکاری کامل نماید، متعاقب آن از آقای گالیندوپل به طور رسمی خواست که از ایران دیدار به عمل آورد. گالیندوپل در سال ۱۹۹۰ در ۲۰ الی ۲۸ ژانویه از ایران دیدن نمود. او نخست با شخصیت‌های مختلف و دیگران اعم از توابعین، خانواده شهدا، اسرا، زندانیان و معدومین دیدار کرد. گزارش نماینده ویژه در ایام برگزاری اجلاس چهل و ششم کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. این گزارش شامل مشاهدات، شنیده‌ها و نامه‌ها و مکالمات نماینده ویژه در ایران و اروپا بود گرچه محتوای گزارش حاوی تمام وقایع موجود در ایران نبود اما خط بطلانی بر بسیاری از ادعاها و اتهامات بی‌اساس کشید و اعتبار آنان را خدشه‌دار ساخت. در این گزارش به رد اتهام

اعدام زندانیان سیاسی در پوشش قاچاقچیان مواد مخدر و محکومیت‌های گروه‌های تروریستی و مسلح در ایران پرداخته شده بود و تعدیل ادعاهای مربوط به نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی و بهائیان در ایران به طوری که وضعیت آنان به سوی یک تساهل نسبتاً وسیع و دو فاکتو پیش می‌رفت، اشاره شده بود. (۴۳)

با بیان این موضوع که برخی از کشورهای غربی خواستار ادامه اعمال فشار بر ایران بودند این امر کاملاً غافلگیرانه بود و نماینده ویژه با مردود شمردن اتهاماتی که قبلاً به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده می‌شد آن را مورد تأکید قرار داد. این اقدام و گزارش آن چنان خشم غربیان را برانگیخت که ۱۸۰ تن از اعضای کنگره آمریکا گزارش گالیندوپل را محکوم کردند. دامنه اتهامات آنقدر گسترده بود که نماینده ویژه مجبور شد طی یک مصاحبه در ژنو اتهامات وارده را دروغ و بی‌اساس بخواند. (۴۴)

در اجلاس چهل و پنجم مجمع عمومی سازمان ملل نماینده ایران در ملاقات با گروه غربی ضمن اشاره به همکاری انجام شده در طول دو سال گذشته به آنها تفهیم نمود که این اقدام ادامه همکاری‌ها را به طور کامل تحت تأثیر قرار خواهد داد. وی با اشاره به فشارهای سیاسی که از جهان خارج بر نماینده اعمال می‌شد تأثیر برخورد گزینشی و سیاسی غرب در زمینه حقوق بشر بر روابط و موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران در جریان امور بین‌المللی با ارگان‌ها و سازمان‌های حقوق بشری را مورد تأکید قرار داد و اظهار داشت هرگونه همکاری منوط به قطع فشارهای سیاسی و خاتمه برخورد مغرضانه است. این در حالی بود که دولت‌های غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا طی این اجلاس با این استدلال که قطعنامه باید براساس گزارش نماینده ویژه باشد پیش‌نویس قطعنامه‌ای را ارائه کردند که در آن به کثرت اعدام، وجود شکنجه، فشار بر مطبوعات، محدودیت احزاب و بدرفتاری با دستگیرشدگان اشاره شده بود.

در این موقعیت با استفاده از جلسات متعددی با اتریش به عنوان نماینده بانیان قطعنامه از یک سو و ایتالیا و آلمان از سوی دیگر، سعی بسیاری در دستیابی به یک قطعنامه معتدل به عمل آمد و در پایان قطعنامه‌ای بدون رأی‌گیری به تصویب رسید که موجب شگفتی محافل سیاسی شد. (۴۵)

هنگامی که آقای گالیندوپل در سال ۱۹۹۱ به ایران سفر کرد متعاقب آن گزارش کتبی سومین سفر خود را به اجلاس ۴۸ (۱۹۹۲) کمیسیون حقوق بشر تسلیم نمود. در این گزارش به مهم‌ترین رویدادهای ایران طی سال ۱۹۹۱ اشاره شد. در همین زمینه جمهوری اسلامی با صلیب سرخ

جهانی جهت بازدید از زندان‌های کشور به توافق رسید. اما گزارش حاکی از آن بود که وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی طی سال گذشته هیچ پیشرفت اساسی نداشته است و به عقیده نماینده ویژه، نظارت بین‌المللی بر این وضعیت باید ادامه پیدا کند. مسأله اعدام قاچاقچیان مواد مخدر تحت عنوان استفاده بیش از حد مجازات مرگ مطرح و به عنوان مهم‌ترین ادعا و اتهام علیه ایران در این گزارش منعکس شده بود. (۴۶)

در حالی که هیأت جمهوری اسلامی در صدد بود که پیش‌نویس قطعنامه‌ای بپردازد که مبنی بر خاتمه مسأله نظارت و حذف موضوع وضعیت حقوق بشر در ایران از دستور کار کمیسیون باشد و از کشورهای دوست خواست از آن حمایت کنند، ولی با توجه به اینکه کشورهای غربی در ارائه پیش‌نویس به دبیرخانه کمیسیون پیش‌دستی کرده بودند ایران از پی‌گیری این امر خودداری کرد و گفتگوی نماینده ایران با کشورهای غربی به نتیجه نرسید و پیش‌نویس قطعنامه غربی‌ها تصویب شد. (۴۷)

در اجلاس پنجاه‌ویکم کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۵ وضعیت حقوق بشر در ایران همچنان مورد توجه کشورهای غربی بود. نمایندگان کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا، نروژ، فرانسه و برخی از گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، ادعا و اتهاماتی را علیه ایران مطرح کردند. (۴۸)

نهایتاً بار دیگر کمیسیون قطعنامه پیشنهادی گروه غرب را به رأی گذاشت که با ۲۸ رأی مثبت، ۸ رأی منفی و ۱۷ رأی ممتنع به تصویب رسید. (۴۹) لازم به یادآوری است آقای گالیندویل به علت بیماری از حضور در جلسات این کمیسیون امتناع نمود و سپس از سمت خود کناره‌گیری کرد. (۵۰)

در اجلاس ۵۲ کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۶ کشورهای عضو اتحادیه اروپا همانند سال‌های گذشته در جریان کمیسیون پیش‌نویس قطعنامه مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران را تسلیم دبیرخانه کمیسیون نمودند که این پیش‌نویس از لحن تندتری برخوردار بود. لذا نماینده ایران طی ملاقات جداگانه با روسای هیأت‌های کشورهای عضو اتحادیه، تلاش وسیعی را در جهت تغییر متن قطعنامه پیشنهادی و تبدیل آن به یک قطعنامه متعادل آغاز کرد. لکن به دلیل فشار اتحادیه اروپا به ویژه در مورد سلمان رشدی به توافق نرسید و سفیر آمریکا قبل از رأی‌گیری موضوع صدور حکم اعدام دوبهائی که خبر آن طی همین ایام انتشار یافته بود را مطرح ساخت و نهایتاً قطعنامه مزبور به شماره ۹۶/۸۴ در ۲۴ آوریل با ۲۴ رأی مثبت، ۷ رأی منفی و

۲۰ رأی ممتنع و دو رأی غایب به تصویب کمیسیون حقوق بشر رسید. این در حالی بود که آقای کاپیتورن پس از رایزنی ایران با نماینده مالزی و با موافقت کمیسیون به عنوان نماینده ویژه بر نظارت وضعیت حقوق بشر در ایران، منصوب شد. (۵۱)

گزارش آقای کاپیتورن به اجلاس پنجاه و سوم کمیسیون حقوق بشر شامل خلاصه وضعیت حقوق بشر در ایران با کلیتی منفی همراه بود. دلیل ایران برای مجوز ندادن به نماینده ویژه جهت بازدید از ایران مبنی بر اهداف سیاسی دولت‌های بانی قطعنامه و موضع حاکم آنها بر کمیسیون و تحمیل پیش داورها و نتایج از پیش تعیین شده و عدم مقیاس مشترک بین خط مشی نماینده ویژه کمیسیون و صدور قطعنامه‌ای تصویبی به اجلاس پنجاه و دوم کمیسیون حقوق بشر به همان روش سنتی و ذهنی بدون یک برداشت مناسب از نظرات نماینده ویژه گزارشگران موضوعی منابع و فعالیت‌های ویژه از اطلاعات دولت جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های دیگر، افراد و سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی بوده و به نارسایی حقوقی و عملی وضعیت زنان و موضوعات قضایی از جمله تعداد زیاد مجازات اعدام، وجود زندانیان سیاسی و زندانی‌های وجدانی و دستگیری مخالفان مذهبی و اعمال گروه‌های فرا قضایی پرداخته شده بود. (۵۲)

با این حال نمایندگان ایران، مذاکراتی را با نمایندگان کشورهای مالزی، کره جنوبی، فیلیپین به عنوان نمایندگان گروه آسیایی و بانیان قطعنامه که کشورهای غربی بودند انجام دادند. بانیان قطعنامه عدم خشنودی و رضایت خود را از بخش نکات مثبت گزارش نماینده ویژه ابراز نموده و صریحاً اعلام نمودند که نمی‌توانند صرفاً به گزارش‌های وی تکیه کنند. این موضوع مورد اعتراض برخی از نمایندگان آسیایی قرار گرفت. اما بانیان قطعنامه پیشنهاد خود را با یک محتوای کاملاً سیاسی به رأی گذاشتند و این قطعنامه با ۲۶ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۱۹ رأی ممتنع به تصویب رسید. (۵۳)

آقای کاپیتورن در گزارش خود به اجلاس پنجاه و سوم مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ نسبت به ممنوعیت ثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی بدون مجوز از وزارت کشور توسط دادگاه‌ها، اعلام شورای عالی قضایی مبنی بر عدم الحاق به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، جداسازی خدمات و مراقبت بهداشتی برای مردان و زنان و محدودیت در پوشش زنان انتقاد نمود. (۵۴)

اجلاس پنجاه و چهارم کمیسیون حقوق بشر همزمان با پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه

جهانی حقوق بشر در ۱۶ مارس ۱۹۹۸ با سخنرانی آقای کوفی عنان افتتاح شد. قطعنامه این اجلاس با توجه به جو عمومی و مساعد و دیدگاه مثبتی که سبب به تحولات جدید در ایران بر کمیسیون حاکم بود گمان می‌رفت در مورد صدور قطعنامه نیز تحول چشمگیری صورت می‌گیرد و حتی بحث عدم طرح قطعنامه و اکتفا به صدور یک بیانیه از سوی رئیس کمیسیون حقوق بشر نیز مطرح بود. ولی سرانجام بانیان سنتی قطعنامه یعنی اتحادیه اروپا، دولت آمریکا و کانادا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را توزیع کردند و به رأی گذاشتند که این اتهامات و ادعاها، پیوسته در اجلاس‌های پیشین مطرح شده بود و نکته مهمی که قابل توجه است و موجب شگفتی همگان شد این است که موارد گزارش کمیسیون دقیقاً با گزارشی که وزارت امور خارجه آمریکا در خصوص حقوق بشر در ایران تهیه کرده بود یکسان بوده و همخوانی داشت. ۳۳ کشور اروپایی و آمریکایی و استرالیا از بانیان این قطعنامه بودند و این در حالی بود که تنها ۱۴ کشور از کشورهای فوق عضو کمیسیون بودند. ولی بقیه بدون ارائه رأی در بانی بودن قطعنامه شرکت کردند. این قطعنامه با ۲۳ رأی مثبت و ۱۴ رأی منفی و ۱۶ رأی ممتنع به تصویب رسید. (۵۵)

قطعنامه پنجاه و هفت کمیسیون حقوق بشر اعلام می‌دارد که از سال ۱۹۹۶ هیچ نامه‌ای از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران به نماینده ویژه جهت دیدار از ایران ارائه نشده است و قویاً از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته می‌شود که نماینده ویژه را دعوت به دیدار از ایران نماید و همکاری کامل خود را با او از سر گیرد. کمیسیون به عوامل دولتی متهم به دخالت در قتل‌های مشکوک و کشتار روشنفکران و فعالان سیاسی توجه دارد و آن را محکوم می‌کند. و در حالی تأسف خود را ابراز می‌دارد که همه مسائل موجود پیرامون مسأله قتل‌ها کاملاً آشکار نشده است. و همچنین نگرانی خود را از اعدام‌های مستمر، تبعیض میان اقوام مذهبی و اقلیت‌ها و اعدام‌های غیرقضایی در ملاء عام را بیان می‌کند. بانیان این قطعنامه نیز ۲۱ کشور اروپایی و آمریکایی بودند که پیش‌نویس قطعنامه را به رأی گذاشتند و سرانجام قطعنامه با ۲۱ رأی موافق ۱۷، رأی مخالف و ۱۵ رأی ممتنع به تصویب رسید. (۵۶)

و بالاخره اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در آوریل ۲۰۰۲، کمیسیون حقوق بشر ایران را به اتهام نقض حقوق بشر محکوم نکرد. دلیل این امر را باید در کارکردهای مثبت و رعایت مقررات منطبق با انتظارات کمیسیون از سوی مسئولین کشور و همچنین عدم حضور نماینده آمریکا در کمیسیون دانست، که امید است متولیان امر با ارائه الگوهای مناسب رفتاری و کارکردی و تداوم آن مانع از تصویب دیگر قطعنامه‌هایی از سوی کمیسیون حقوق بشر

علیه ایران شوند.

نتیجه

خلاصه کلام اینکه، توسعه اجتناب‌ناپذیر مناسبات بین‌المللی به همراه ظهور اندیشه‌های مبتنی بر «انسان محوری» و «حق تعیین سرنوشت» زمینه مناسبی را برای تدوین قواعد و مقررات مرتبط با نوع انسان و رسیدن به زبانی مشترک در توضیح و تفسیر حقوق وی پدید آورده است. نتیجه این تحولات پیدایش سازمان‌های فراملی مورد توافق کشورها برای نظارت و تضمین اجرای قواعد و مقررات یاد شده بوده است. بر این اساس می‌توان گفت امروزه علائق و حقوق افراد بین‌المللی در داخل قلمرو سرزمینی تحت حاکمیت‌های ملی نیز با ملاحظات بین‌المللی گره خورده است. این امر ماهیتاً مقوله حقوق بشر را از انحصار صلاح‌دید دولت‌ها خارج کرده و به روابط بین‌المللی کشانده است، ظهور مفاهیمی نو همچون «حقوق بشر» در عرصه پرتلاطم جهانی، سبب شکل‌گیری روابط پرفراز و نشیب کشورها با سازمانها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر شده است.

در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز مجموعه عوامل داخلی و خارجی از جمله تفاوت و تعارض دیدگاه‌ها نسبت به مقوله حقوق بشر، ماهیت نظام بین‌المللی، نوع برخورد سیاسی برخی اعضای ذینفوذ و مؤثر کمیسیون حقوق بشر، نقش گسترده و فعالانه کشورهای قدرتمند غربی خصوصاً آمریکا در تهیه و تنظیم قطعنامه‌ها و تحت فشار قرار گرفتن برخی از نمایندگان کمیسیون حقوق بشر در صورت اصرار بر ادعایی مغایر با انتظارات کشورهای چپ آمریکا و به هر حال برخوردها و عملکردهای گزینشی و دوگانه، در راستای تأمین منافع غرب و همچنین سیاست‌ها و منافع گهگاه متعارض ایران و بازیگران اصلی نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی، رفتارها و عملکردهای داخلی گاه معارض با هنجارهای بین‌المللی با شهروندان باعث گردیده نهادهای حقوق بشر سازمان ملل متحد رویکردی منفی نسبت به عملکرد دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران داشته باشند و براساس این رویکرد از ۱۹۸۱ تاکنون به جز یک مورد (سال ۲۰۰۲) قطعنامه‌هایی مبنی بر نقض حقوق بشر در ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر صادر شده است و این نگاه مثبت در تصمیم‌گیری اخیر کمیسیون مؤید آن است که در صورت برقراری توازن بین اداره خوب جامعه و ضروریات جهانی که بیش از پیش وابستگی به یکدیگر را ایجاد می‌کند، می‌توان از تن دادن به برخی فشارها و تزییقات پرهیز نمود.

یادداشت‌ها:

- ۱- نیره نوحیدی. فمینیسم، دمکراسی و اسلام‌گرایی، تهران: انتشارات کتابسرا، ۱۳۷۵، ص ۶۷.
 - ۲- سید داود آقایی، حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۰، ص ۶۳.
 - ۳- همان، ص ۶۴.
 - ۴- سیدحسین رضوانی، «طرح و تصویب دو قطعنامه در زمینه حقوق بشر و تحریمهای یک‌جانبه به ابتکار جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۴، و ۳، ۱۳۷۵، صص ۱۹۴-۱۹۳.
 - ۵- ر.ک. به: مهدی ذاکریان، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶.
 - ۶- سیدحسین رضوانی، پیشین، ص ۱۹۴.
 - ۷- مهدی ذاکریان، پیشین، ص ۱۱۷.
 - ۸- سید سعید میرزایی، رژیم شاه و سازمانهای حقوق بشر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۵.
 - ۹- مهدی ذاکریان، پیشین، ص ۱۱۶.
- 10- United Nations, The universal declaration of human rights 1948-1998, New York: The United Nations department of public Informations, 1998, p. 15.
- ۱۱- حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۹۶.
 - ۱۲- جنی ام. لیونز، «مداخله بین‌المللی، حاکمیت دولت و آینده جامعه بین‌المللی»، ترجمه خجسته عارف‌نیا، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هشتم، (۱۳۷۳)، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۴.
 - ۱۳- سیدداود آقایی، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهان، تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۷۵، ص ۲۴۵.
 - ۱۴- مصطفی اعلائی، «کنفرانس جهانی وین و شیوه‌های نظارت بین‌المللی بر رعایت حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۴ و ۳، ۱۳۷۵، صص ۷۶ و ۷۷.
 - ۱۵- احمد نقیب‌زاده، «تأثیر تحولات نظام بین‌المللی بر مفهوم حقوق بشر»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۲-۱۷۱، سال ۱۷۱-۱۷۲، سال شانزدهم، آذر و دی ۱۳۸۰، ص ۳۹.
 - ۱۶- جمشید شریفیان، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۲۵.
 - ۱۷- سید داود آقایی، ایران و سازمانهای بین‌المللی، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۶.
 - ۱۸- احمد نقیب‌زاده، پیشین، ص ۳۷.
 - ۱۹- همان، ص ۳۸.
 - ۲۰- همان، ص ۳۹.

- ۲۱- همان، ص ۳۴.
- ۲۲- همان، ص ۳۶.
- ۲۳- کیهان هوایی، شماره ۱۴۳۶.
- ۲۴- آنتونیو کاسسه، حکومت‌های غیرانسانی، ترجمه کیا طباطبایی، تهران: موسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۷، ص ۷۵.
- ۲۵- احمد ساعی و مهدی تقوی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.
- ۲۶- حسین مهرپور، نگاهی به فعالیت‌های سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۴۹.
- ۲۷- همان، ص ۵۰.
- ۲۸- احمد نقیب زاده، پیشین، ص ۴۱.
- ۲۹- بی‌نا - اتحادیه اروپا از بنیان‌های نظری تا وضعیت حاضر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۴۷۱.
- ۳۰- آنتونیو کاسسه، پیشین ص ۶۹.
- ۳۱- جمشید شریفیان، پیشین، ص ۲۷.
- 32- E/CN.4/1984/54.
- 33- Kabir - ur - Rahaman, "International Rights to Development legal Bases and Measures for its Implementation", The Iranian Journal of International Affairs, No. 4, Winter 1992, pp. 711-13.
- ۳۴- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: سیدحسین رضوانی، دیدگاه کمیسیون حقوق بشر در مورد مسائل فرهنگی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، رساله ارتقاء مقام، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۲۵ تا ۲۷.
- ۳۵- جمشید شریفیان، پیشین، ص ۴۵.
- ۳۶- سید داود آقایی، ایران و سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۲۷۹.
- 37- A/40/141/1985.
- 38- U.N. year book on human rights, 1988, pp. 79-80.
- 39- E/CN.4/1985/20.
- 40- U.N. year book on human rights, 1988, pp. 82-84.
- 41- E/CN.4/1986/41.
- 42- E/CN.4/1986/43.
- 43- E/CN.4/1990/79.
- ۴۴- مهرداد کبابی، جمهوری اسلامی ایران و مسأله حقوق بشر، رساله ارتقاء مقام، تهران: وزارت امور

خارجه، ۱۳۷۹، صص ۱۰-۱۲.

۴۵- همان، صص ۵۷-۵۵.

۴۶- همان، صص ۶۱-۵۹.

47- A/48/145.

48- E/CN.4/1995/68.

49- Ibid.

50- U.N. yearbook of the United Nations, vol 49. 1995, pp. 795-800.

51- A/C3/51/L.41/Rev.1.

۵۲- موريس کاپيتورن، «تازه‌ترين گزارش نماينده ویژه بررسی وضعیت حقوق بشر در ايران»، مجله حقوق و اجتماع، سال اول مهر و آبان ۱۳۷۶، صص ۴۴-۳۰.

53- A/51/103/Dec/12/1996.

۵۴- جمشيد شريفیان، پيشين ص ۳۰۴.

۵۵- ر.ک. سيد داود آقايی، ايران و سازمانهای بين المللی، پيشين، ص ۳۰۲.

۵۶- سيد حسين رضوانی، پيشين، ص ۱۹۶.